

نگاهی به ماهیت سینمای ایران تا پیش از سال ۱۳۵۷ / بخش پنجم



ناقوس مسخ و نفرین

■ بزمان کریمی

مدرسه آرتیستی سینما و تحقیر ارزش‌های دینی

نخستین نویسنده و کارگردان سینمای ایران را «وانس اوگانیانس» معرفی کرده‌اند.

۱۲۷۹ شمسی در عشق‌آباد پایتخت ترکمنستان به دنیا آمد. وی رشتۀ‌ی سینما را در هنرستان سینمایی مسکو خواند. اما هنرستان یاد شده اهمیت چندانی در برابر این واقعیت ندارد: او فارغ‌التحصیل مدرسه جهانی ایلیانس بود. مدرسه‌ای که پیشتر به ماهیت سیاسی-صهیونیستی آن اشاره کردیم.

چرا اوگانیانس پس از خواندن سینما، رو به ایران گذاشت؟ آیا مأموریتی برای این فرد تربیت شده به دست معلم‌های مدرسه صهیونیستی، تعریف شده بود؟

چنان که جمال امید در کتاب تاریخ سینمای ایران می‌نویسد: «اوگانیانس، فکت برپا کردن مدرسه فیلم‌سازی را با دوست و هم‌راه خود «گریشا ساکاور لیدزه» در میان می‌گذارد.

ساکاور لیدزه، صاحب سینما «مایاک» تهران واقع در لاله‌زار بود. این فرد روسی بود که در نقش تهیه‌کننده «آبی و رابی» به عنوان اولین فیلم تاریخ سینمای ایران آشکار شد.

اوگانیانس در سال ۱۳۰۹ در خیابان علاءالدوله تهران، مدرسه آرتیستی سینما را با مجوز وزارت معارف ایجاد کرد. دیری نپایید، که با بی‌اعتنایی مردم و به ویژه بانوان، مدرسه آرتیستی سینما پس از برگزاری دو دوره، تعطیل شد. در آن زمان متدینین نگاهی مظلمن به سینما نداشتند و آن را با آموزه‌های دینی هماهنگ نمی‌دیدند. نکته‌ای که در مستند راز آرمادگون (ساخته سعید مستغانی/ شبکه خبر/ اسال ۹۰) بدان پرداخته شده بود، حضور دو چهره فراماسون در مدرسه آرتیستی سینماست: علی وکیلی و عباس مسعودی که قبلا دربراره این دو عنصر انشاراتی داشتیم!

در مستند یاد شده این نکته مهم نیز نقل می‌شود که سعید نفیسی در کتاب «چیمه راه بهشت» و محمد تهامی‌نژاد در مستند «تاریخ سینمای ایران»، اوگانیانس را مشکوک به ارتباط با لژهای فراماسونری معرفی می‌کنند. شاید منظور

وقایع خونبار خاورمیانه در هفته های اخیر که با تهاجم تکفیری ها به عراق شروع شد و با حمله اسرائیل به نوار غزه ادامه دارد، آزمایشگاه و میدان تجربه ای برای راستی آزمایی و سنجش جهت گیری‌های رسانه‌های مسلط جهان است؛ هالیوود (سازمان سینمایی-ایدئولوژیک آمریکا)، کانال‌های تلویزیونی خبری و شبکه های اجتماعی مجازی، بیشترین نقش را در شکل گیری تصورات و افکار انسان ها در دنیای امروز بازی می کنند. اما عملکرد این کارخانه های تصویر و تصور سازی بشریت چگونه بوده است؟

فیلم «شکارچی شنبه» (ساخته پرویز شیخ طادی) فارغ از همه نقاط ضعف و قوتش اما به خاطر نمایش یک واقعیت، فیلم بسیار مهمی است. این فیلم برای اولین بار شباهت و نزدیکی بسیار زیاد صهیونیسم و جریان های تکفیری به ظاهر اسلامی را نشان می دهد، و عجیب اینکه این دو طائفه، یعنی تکفیری ها و صهیونیست ها، هیچ وقت با هم جنگیده‌اند و همیشه به اهداف مشترکی حمله کرده‌اند. دو جریانی که این روزها با حمله همزمان خود به انسان های بی گناه، وفاق و همسای خود را بیش از پیش به رخ کشیده اند؛ داعش در عراق و اسرائیل در غزه. نکته قابل تأمل این است که رسانه های مسلط نظام سرمایه‌داری غرب نیز از هر دو جریان حمایت کردند.

دست اندر کاران هالیوود و سینمای غرب هم که همواره ژست بشردوستانه و آزادی خواهانه می گیرند، این بار چشم خود را بر کشتار انسان های بی گناه بستند. هنوز فراموش نکرده ایم که جشنواره های اروپایی به خاطر محاکمه یک فیلمساز سطح پایین در ایران به اتهام فعالیت علیه نظام چه هیاهویی به پا کردند. از جمع آوری امضا در حمایت از آن فیلمساز گرفته تا حرکت نمادین خالی گذاشتن یک صندلی برای وی. او اما همین جشنواره ها و هنرپیشه ها و کارگردان هایی که برای فیلمساز مجرم ایرانی سینه چاک کرده بودند، امروز سکوت ننگینی را در قبال جنایات اسرائیل در فلسطین در پیش گرفته اند. برخی از بازیگران هالیوودی که قبلا با اهداف تبلیغاتی و سیاسی به عنوان سفیرا بشردوستی به کشورهای آسیایی آفریقای سی سفر می کردند، در قبال کشتار و زنان و کودکان غزه ساکت مانده اند. البته این وضعیت طبیعی است. سلطه سرمایه‌دارهای

tasvirroz@kayhan.ir



تأملی بر بازتاب جنگ غزه در سینما و تلویزیون غرب

خنجرهای رسانه‌ای در چشم مخاطب جهانی

■ آرش فهیم



صحنه‌ای از فیلم « شکارچی شنبه»

صهیونیست بر سینمای غرب غیر قابل انکار است. در رأس اغلب کمیانی های تولید فیلم در هالیوود، یهودیان زرسالار حضور دارند و بین فیلمسازهای آمریکایی و استرالیزیست‌های صهیون نزدیکی زیادی برقرار است. به همین دلیل هم هست که

*** رسانه های انگلیسی این بار هم دست به کار شده اند تا خون‌بازی اسرائیلی ها را مخفی کنند! از حمله حماس به شهروندان بی‌گناه اسرائیل (!) داستان سرایی می کنند و چهره آمریکا را در تلاش برای برقراری صلح میان طرفین بزرگ می کنند.**

اغلب فیلم های ساخته شده در سینمای غرب با موضوع فلسطین، تصویری تحریف شده از واقعیت‌های جاری را نمایش می دهند. فیلم هایی چون «پنک بهشت»، «هونیک» «بلقان»، «ان شالانه» و … محتوایی به ظاهر بی طرفانه داشته اند. اما یک اصل رسانه‌ای وجود دارد که براساس آن هر گونه بی طرفی میان ظالم و مظلوم به معنای حمایت از

این روزها ماجرای داعش و فعالیت های این گروه تروریستی به شکل قابل توجهی در بسیاری از رسانه های گروهی مطرح شده است. آن چنان که هر روز اخبار مختلفی در این باره از سوی رسانه های مختلف پخش می شود. نبردهای آنان با دولت عراق، کشتار و جنایت های این گروه و همچنین انفجارها و عملیات های انتحاری و بسیاری دیگر از فعالیت‌های آنان از سوی رسانه ها به نمایش در می آید. در این میان یک اتفاق دو سویه رخ داده است. از سویی داعش نشان داده که سازوکار به خدمت گرفتن رسانه‌ها برای پروپاگاندا را به خوبی می داند و از سوی دیگر جریانی مشکوک در بین رسانه‌های غربی وجود دارد که به شکل جدی و براساس متدولوژی خاص رسانه‌ای-روانی به این گروه کمک می کند. همچنان که اخیرا فیلم سخنرانی ابوبکر بنهادی به بیرون انتشار یافته این مسائل برجسته تر شده است. چرا که کیفیت این فیلم و زوایای فیلمبرداری آن نشان می دهد که این گروه به سیستم های حرفه‌ای فیلمبرداری کاملا دسترسی و آشنایی دارد. به طوری که بسیاری از فیلم های این گروه به صورت اج دی و بسا بهترین کیفیت هم در فضای مجازی و رسانه های دیداری منتشر می شود.

داعش رسانه ای و رد پای

تراست های خبری

درباره اتفاقات تاریخی رسانه ای که در چند هفته گذشته درباره داعش رخ داده می توان دو فرضیه مطرح کرد:

یک-داعش بخش ویژه ای برای این کار در نظر دارد، دو-داعش از حمایت های ویژه رسانه‌ای برخوردار است. به این صورت که علاوه بر حمایت‌های خبری،حمایت های فنی هم از آنها می شود.

به نظر می رسد که فرضیه اول کم رنگ است، چرا که داعش آن چنان که بایدند در این زمینه نمی‌تواند تبحر داشته باشد. ضمن اینکه اعضای این گروه معمولا با این گونه مسائل بیگانه هستند. به شکلی که از شواهد و قرائن برمی آید، اعضای رسانه های دیداری منتشر می شود.

اثر بار کرد که از آن جمله است نیاز به تعمق و توجه بیشتر و دقیق تر بر محلل های تاریخی و منابع استنادی فیلم و نیز وجه بیرونی و مابه ازای تصویری آن.

شاید بهتر بود همه موزات توجه بیشتر به استنادات تاریخی و بهره گیری از منابع و مراجع و نظرات کارشناسان این عرصه، بر وجه بیرونی فیلم که شامل عناصری مثل گریم-بازیگران و شکل و شمایل مکان ها و چیزهای دیگری از این دست می شود، دقت و حساسیت و تأمل بیشتری مبذول داشته می شد.این امر باعث می شد تا فیلم «ینجا شهری دیگر است» علاوه بر غنای مفهومی و سندی تاریخی، در وجه باورپذیری و قابلیت‌های جذاب سینمایی هم موفق تر از این عمل کند.

چنین کارهایی را برای این گروه انجام می دهند. بسیاری از رسانه های خارجی حتی درباره فرآید تکفیری این گروه‌ها که منجر به جنایت های بسیاری می شود صحبتی به میان نیامده است.فرید زکریا در بهره گیری گسترده داعش از رسانه ها آنها را نسبت به تمام گروه های تروریستی متمایز کرده است. تیزرهای تبلیغاتی آنها در ابعاد وسیع گسترده در یوتیوب منتشر شده است. در تمام کلیپ های موجود در دولت عراق می نامند و اصلا اشاره‌ای به اعدام های



مالکان بزرگ بودند. کارگزاران بریتانیایی برای تسهیل کار زمین خواران در سال ۱۹۳۸ نیز قانونی با سرشت غارتگرانه به تصویب رساندند...

مبارزات مردم علیه صهیونیست‌ها رفته رفته سراسر سر زمین فلسطین را فرا گرفت. اما در سال ۱۹۲۹ بریتانیا شراره های انقلاب را با خون خاموش کرد: ۲۵۱ تن شهید و هزار و ۷۱۹ تن مجروح...

سرانجام سال ۱۹۴۷ فرا رسید، بریتانیا دیگر چشم اندازی روشن در آینده نمی دید. از یک سو در برابر رقیب جدید خود، آمریکا، یارای ایستادگی نداشتت و از سوی دیگر، فلسطین در آتش ناآرامی و انقلاب می‌سوخت و بریتانیا نمی توانست سرپرستی خود را همچون گذشته

و با همان شیوه در این کشور اعمال کند. از این رو در فوریه ۱۹۴۷ بریتانیا به امید گروه کشتایی از مشکل فلسطین مسئله را به سازمان ملل رجاع داد... قرار بر این شد که سرپرستی بریتانیا بر فلسطین در ماه مه ۱۹۴۸ پایان پذیرد. انگلیسی ها هنگام تخلیه، مراکز دولتی، اردوگاه ها، سنگرهای نظامی و فرودگاه ها را به دست یهودیان سپردند و ابزار جنگی خویش را به صهیونیست ها فروختند."

به یک معنا، اسرائیل فرزند سابق انگلیس است که بعدا به آمریکا واگذار شد و از این نظر، حمایت رسانه‌هایی چون «بی بی سی» و «هن و تو» یا پان اشغالگران فلسطین، چندان عجیب نیست. مردم غزه، امروز تاوان سازش پدران خود در برابر انگلیس را پس می دهند. اگر فلسطینی های نسل های قبل تن به قیومت انگلیس نمی دادند، شاید هیچ آثری از اسرائیل نبود و بچه های غزه زیر آتش صهیونیست ها، این گونه حق حیات خود را از دست نمی دادند. امروز مردم غزه تنها با اسرائیل نمی جنگند.انگلیس، آمریکا،بی بی سی، من و تو، هالیوود و هر کس حامی اسرائیلی هاست، دستش به خون بی گناهان فلسطینی آلوده است.

*** بی بی سی فارسی و صدای آمریکا در روزی که داعش چندین امام جماعت اهل تسنن را اعدام کرد اصلا به این مسئله اشاره نکردند، چرا که هدفی در پشت این مسئله وجود داشت. به شکلی که به باور بسیاری کارشناسان، این رسانه ها حتی سعی می کنند جنایت های داعش علیه اهل تسنن را پوشش ندهند تا داعش در میان اهل تسنن در سراسر جهان نماینده آنها به تصویر کشیده شود.**

داعش ، روان مخاطب را کاملا آشفته می‌کند. به شکلی که از نگاه روانشناسانه به صورت ناخودآگاه قدرت داعش برای مخاطب به صورت کاذبی فوق العاده افزایش می یابد. مخاطب دائما به این فکر می کند که چنین گروهی هم قدرت بسیار زیاد دارد. وهم می تواند برای همه دلونها هراس ایجاد کند. باید توجه داشت که این فضای روانی رعب آور که حول داعش توسط رسانه های غربی شکل گرفته بسیار در پیشروی این گروه موثر بوده است.

داعش ، روان مخاطب را کاملا آشفته می‌کند. به شکلی که از نگاه روانشناسانه به صورت ناخودآگاه قدرت داعش برای مخاطب به صورت کاذبی فوق العاده افزایش می یابد. مخاطب دائما به این فکر می کند که چنین گروهی هم قدرت بسیار زیاد دارد. وهم می تواند برای همه دلونها هراس ایجاد کند. باید توجه داشت که این فضای روانی رعب آور که حول داعش توسط رسانه های غربی شکل گرفته بسیار در پیشروی این گروه موثر بوده است.

چند صد نفره از سوی داعش نهمی کنند. **عراق: «بیرونیوز»** و «انس ۲۴» در ماه های اخیر تلاش بسیاری کرده اند تا داعش را نماینده بخش سنی‌نشین عراق جلوه دهند. بسیاری از کارشناسان این برنامه که عمدتا از کارشناسان عرب و وهابی شبکه العربیه هم هستند در تحلیلی جهت تا به بطور مداوم به دولت عراق حمله می کنند.آنها با برجسب های رسانه‌ای سیاسی به این دولت سعی می کنند تا داعش را به طور تلویحی از یک گروه تروریستی خارج و اپوزیسیون بنامند.حتی برای نیل به این مقصود در این رسانه ها به این موضوع اشاره می شود که داعش به دنبال تحقق یک منطقه سنی نشین است و به نوعی سعی در احقاق حقوق آنها دارد. برخی از این رسانه ها مانند بی بی سی فارسی و صدای آمریکا در روزی که داعش چندین امام جماعت اهل تسنن را اعدام کرد اصلا به این مسئله اشاره نکردند، چرا که هدفی در پشت این مسئله وجود داشت. به شکلی که به باور بسیاری کارشناسان، این رسانه ها حتی سعی می کنند جنایت های داعش علیه اهل تسنن را پوشش ندهند تا داعش در میان اهل تسنن در سراسر جهان نماینده آنها به تصویر کشیده شود.

۲-بزرگ نمایی قدرت داعش:خبرهای مداوم از پیشروی داعش و شکست های عراق و مخابره آن به صورت شبکه ای در چند ماه گذشته در فضای مجازی منتشر شد که در این قایل تصویری به شکلی که بسیاری از مخاطبان این رسانه‌ها پس از مدتی این مسئله را باور کرده بودند که داعش به سرعت در حال پیشروی است. در بسیاری از اخبار روزانه این رسانه ها ، خبرهای باز پس گیری مناطق اشغال شده توسط ارتش عراق بسیار دیر پوشش داده می‌شود. حتی در برخی موارد با تیتراهایی همچون «ضد نفیض و بازپس گیری تکریت " یا «خرتاپید نشده» دالما سعی در تشکیک در موفقیت‌های دولت عراق دارند. این رسانه‌ها با انتشار اخبار مداوم درباره شکست های ارتش عراق و بمباران خبری ذهن مخاطب پیرامون فتوحات گسترده



نگاهی به پشت پرده رسانه و جریان های تکفیری بمباران صوت و تصویر داعش در خدمت داعش

■ سیاوش رسولی

سیی ان آن آنها را با فاکت های هالیوودی مقایسه می کند.
دیگر باید پیوند میان داعش و رسانه ها نحوه انتشار اخبار مربوط به این گروهک در رسانه های خبری غربی است.
با نگاهی به رسانه هایی همچون «بی بی سی»، «سیی ان آن» و «رویترز» می توان به این موضوع اشاره کرد که این رسانه ها از تاکتیک های روانی خاصی برای پوشش این اخبار بهره می گیرند.
۱-پوشش ندادن حرکت های وحشیانه وضد انسانی داعش: بسیاری از رسانه های غربی در چند ماه اخیر تنها به بیان خبرهای مربوط به پیش روی داعش بسنده می کنند.آنها در چندین سنی نشین است و به نوعی سعی در احقاق حقوق آنها دارد. برخی از این رسانه ها مانند بی بی سی فارسی و صدای آمریکا در روزی که داعش چندین امام جماعت اهل تسنن را اعدام کرد اصلا به این مسئله اشاره نکردند، چرا که هدفی در پشت این مسئله وجود داشت. به شکلی که به باور بسیاری کارشناسان، این رسانه ها حتی سعی می کنند جنایت های داعش علیه اهل تسنن را پوشش ندهند تا داعش در میان اهل تسنن در سراسر جهان نماینده آنها به تصویر کشیده شود.

۲-بزرگ نمایی قدرت داعش:خبرهای مداوم از پیشروی داعش و شکست های عراق و مخابره آن به صورت شبکه ای در چند ماه گذشته در فضای مجازی منتشر شد که در این قایل تصویری به شکلی که بسیاری از مخاطبان این رسانه‌ها پس از مدتی این مسئله را باور کرده بودند که داعش به سرعت در حال پیشروی است. در بسیاری از اخبار روزانه این رسانه ها ، خبرهای باز پس گیری مناطق اشغال شده توسط ارتش عراق بسیار دیر پوشش داده می‌شود. حتی در برخی موارد با تیتراهایی همچون «ضد نفیض و بازپس گیری تکریت " یا «خرتاپید نشده» دالما سعی در تشکیک در موفقیت‌های دولت عراق دارند. این رسانه‌ها با انتشار اخبار مداوم درباره شکست های ارتش عراق و بمباران خبری ذهن مخاطب پیرامون فتوحات گسترده



نگاهی به فیلم سینمایی «ینجا شهری دیگر است»

شهر به خواب رفته ...!

■ محمد قمی

تاریخی- تحلیلی گنجاند.

درباره فیلم سینمایی «ینجا شهری دیگر است» باید گفت فیلم های این گونه، آثری هستند که تلاش می کنند تا روایتی مقطعی از تاریخ را دستمایه ارائه تحلیلی عمیق تر برای مخاطبانشان قرار دهند. تحلیلی که می تواند مبتنی بر آن واقعه تاریخی اما بازگوکننده حقایقی فراتر از آن باشد. و این اتفاق است که در این اثر هم تا حدودی رخ داده است.

وقتی ما به تصویرگری موقعیت تاریخی شخصیت برجسته و بی نظیری همچون امام علی(ع) می پردازیم، ناخودآگاه به حیطه بحث های همچون ولایت، غربت و مظلومیت، عدالت، و البته درد و رنجی که ولی زمان، از سلفه پروری دوران و عداوت دشمنان درونی و بیرونی متحمل می‌شود - و جهل و نفاق و...- رم می بریم و وارد این وادی می شویم.

در این فیلم سینمایی همچنان که از ظاهرش دوران حیات مبارک حضرت امیر اشاره دارد و البته بیشتر در دوران پایانی زندگی مبارک آن امام همام می گذرد، سعی شده است تا مخاطب ضمن آشنایی با فرازهای سترگ و شگرف از روزهای پرتلاطم آن دوران و رنجی که آن حضرت از مجموعه شرایط و آدم های آن زمان متحمل شد، یک آشنایی اجمالی از شرایط و مقتضیات عناصر مهم و تأثیرگذار تاریخی در آن برهه تاریخی نیز به دست آورد.

روایتی که با عمق بخشی و عینیت یابی سینمایی، توانسته بر مخاطب ایرانی که تا حدودی با تاریخ اسلام آشنایی دارد، به تأثیرگذاری نسبی برسد. شاید بتوان این تلاش را در فیلم «ینجا شهری دیگر است» ادامه ای دانست بر کارهای قبلی فیلمسازان سینمایی و تلویزیونی ما در گذشته دور و نزدیک. تلاشی که از مجموعه هایی مثل «سفری ... و آغاز شد و به سربل تلویزیونی «علم امام علی(ع)» رسید و با «تنهاترین سردار» و «ولایت عشق» و «مختارنامه» و... استعمار و امتداد یافت. کارهایی که بی تردید در جهت آشنانمودن مردم با تاریخ صدر اسلام و زمان حیات مبارک حضرت ائمه

^[1] نگاه به ماهیت سینمای ایران تا پیش از سال ۱۳۵۷

^[2] نگاه به ماهیت سینمای ایران تا پیش از سال ۱۳۵۷